

بررسی خطاهای زبان‌آموزان در ترجمه «که» قیدی به زبان عربی

منصوره زرکوب^۱

منیژه یوحنايي^۲

لیلا رئیسی^۳

تاریخ دریافت: ۸۹/۷/۲۶

تاریخ تصویب: ۹۱/۲/۱۰

چکیده

حرف «که» در زبان فارسی، انواع و معنایی گوناگون دارد. یکی از مهم‌ترین کاربردهای «که» و ترکیبات حاصل از آن، زمانی است که این حرف و ترکیبات آن در جمله، نقش قیدی ایفا می‌کنند. برای این‌گونه «که»، معادل‌هایی گوناگون در زبان عربی وجود دارد که دانشجویان آن‌ها را نمی‌شناسند. در این مقاله، در پی آنیم که خطاهای دانشجویان را در ترجمه «که» قیدی و کلمه‌های حاصل از آن بررسی کنیم. بدین منظور، برای تبیین تأثیر آموزش (پیش‌رفت تحصیلی دانشجویان) در برگرداندن درست، با توجه به کاربردهای

۱. دانشیار و عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه اصفهان zarkoobm@yahoo.com

۲. استادیار و عضو هیأت علمی گروه زبان انگلیسی دانشگاه اصفهان youhanaee_m@hotmail.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب دانشگاه اصفهان Leila.raeisi@gmail.com

گوناگون حرف «که» در زبان فارسی و معادل‌های متفاوت آن در زبان عربی، چهل جمله به ۱۱۰ نفر از دانشجویان نیم‌سال‌های سوم، پنجم و هفتم دانشگاه اصفهان برای ترجمه به عربی داده شد تا خطاهای آنان از طریق آمار توصیفی-تحلیلی^۱، به کمک نرم‌افزار SPSS توصیف، تشریح و تبیین شود و نتایج و علت‌های این خطاها بررسی شود. براساس یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت تداخل زبانی، بی‌توجهی به نسبیّت زبانی، بی‌توجهی به ژرف‌ساخت جمله‌ها، نداشتن تسلط کافی بر مطالب آموخته‌شده یا فراموش کردن آن‌ها در اثر ترک تمرین و کاربرد، و فرانگرفتن دستور زبان عربی براساس پژوهش‌های حوزه زبان‌شناسی مقابله‌ای و آموزش زبان، از جمله عوامل بروز خطاهای دانشجویان در ترجمه «که» است.

واژه‌های کلیدی: حرف «که»، ترجمه، معادل‌یابی، آموزش، خطاها.

۱. مقدمه

حرف «که» قیدی، از جمله پرکاربردترین حروفی است که در جمله‌های گوناگون، معنایی مختلف دارد و زبان‌آموزان در ترجمه آن به عربی، با مشکلات بسیار مواجه‌اند؛ از این روی، در این مقاله، به دلیل اهمیت و ضرورت بررسی خطاهای آنان در این زمینه کوشیده‌ایم خطاهای موجود را بشناسیم و به صورتی عمیق و کاربردی، خطاهای دانشجویان را در ترجمه «که» قیدی و حروف ربط حاصل از ترکیب با آن تحلیل کنیم.

در ایران، خطاهای زبان‌آموزان عربی، تنها در دو پژوهش زیر بررسی شده است:

الف) مریم جلائی پیکانی (۱۳۸۷) پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان *دراسة الاخطاء التعبيرية التحريرية عند طلاب اللغة العربية وآدابها في مرحلة الليسانس فی جامعته اصفهان وكاشان نگاشته است.*

ب) وی (۱۳۸۷) مقاله‌ای نیز با عنوان «تداخل و تأثیر آن در نگارش عربی دانشجویان فارسی‌زبان»، در این حوزه تألیف کرده و آن را در صفحات ۷۷ تا ۱۰۰ از شماره دهم *مجله الجمعية العلمية الايرانية للغة العربية وآدابها* به چاپ رسانده است.

امتیازهای زیر، این پژوهش را از تحقیقات یادشده متمایز می‌کند:

الف) در این مقاله، موضوع را به صورت بسیار عمیق، جزئی، تحلیلی و براساس تفاوت معنایی بین خطاهای دانشجویان در نیم‌سال‌های سوم، پنجم و هفتم، در قالب یک حرف ربط بررسی کرده‌ایم.

ب) علاوه بر ذکر خطاها در برابری انواع مختلف «که»، معادل درست حروف را با استناد به کتاب‌های عربی ذکر کرده‌ایم.

ج) این پژوهش براساس بررسی تقابلی حروف ربط در زبان‌های فارسی و عربی انجام شده است.

د) در بخش نتایج تحقیق، علاوه بر بیان تأثیر تداخل در برابری حروف ربط قیدی حاصل از «که»، مسائلی ذکر شده که در نوع خود، جدید و برگرفته از تحلیل آماری و تفاوت معنایی بین خطاهای زبان‌آموزان است.

ه) این تحقیق براساس مدل مقایسه از طریق ترجمه در چهارچوب تطابق‌های صوری-معنایی انجام شده است (ایور^۲، ۱۹۶۹؛ فلاحی، ۱۹۹۱). در این روش، همچون چهارچوب دستور زایشی، جنبه‌ای از ساختارهای زبانی مثل نشانه جمع، زمان، اشاره و مجهول انتخاب شده و ساختار مطابق با آن در زبان دیگر (تحت شرایط برابری معنایی) تعیین شده است.

براساس آنچه گفتیم، در این پژوهش، در پی یافتن پاسخ این سؤال‌ها هستیم:

الف) بیشترین خطاهای دانشجویان در کاربرد حرف «که» قیدی، مربوط به چه مواردی است؟

ب) علت‌های اساسی خطاهای دانشجویان در برابریابی برای حرف «که» قیدی چیست؟

۲. ضرورت بررسی تقابلی حروف ربط در زبان‌های فارسی و عربی

بروز خطا^۱ در روند یادگیری زبان دوم، طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است؛ اما نکته مهم، آن است که این خطاها بررسی و تصحیح شوند و روی دادن آن‌ها در یادگیری زبان، به کمترین میزان ممکن رسانده شود؛ زیرا تحلیل خطا در آموزش زبان، باعث آسان‌شدن یادگیری زبان خارجی و ارتقای آموزش می‌شود و از بسیاری از خطاهای دانشجویان هنگام برگرداندن برخی ساختارها به زبان دوم می‌کاهد. یکی از راه‌های مؤثر برای کاهش دادن برخی از این خطاها، ترجمه است؛ زیرا ترجمه، راهی بسیار مؤثر برای یادگیری ساختار زبان دوم، و شیوه کنارهم چیدن ابزار جمله است^۲؛ البته این روش نمی‌تواند مانند گذشته، روش اصلی برای آموزش زبان باشد؛ اما می‌توان با استفاده از آن، ساختارهای زبان اول و دوم را به صورت تقابلی بررسی کرد و بنابراین، تأثیر آن در آموزش زبان، دارای اهمیت بسیار است.

در این میان، به دلیل نقش مهم حروف ربط و به‌ویژه حرف «که» در پیوستن جمله‌ها، معرفی آن‌ها به دانشجویان در قالب جمله‌های ساده و پر کاربرد، و ممارست در کاربرد آن‌ها، در آموزش زبان عربی، مؤثر است؛ البته آموزش معادل‌های این حروف و به‌ویژه حرف «که» به دلیل استعمال بیشتر آن در مقایسه با دیگر حروف، به صورت تقابلی، بین جمله‌های فارسی و عربی، و تحلیل خطاهای آنان باعث می‌شود دانشجو به صورت تقابلی، ساختار دو

۱. شایان ذکر است که «خطا» و «اشتباه» با هم تفاوت بسیار دارند: «اشتباه به خطاهای کنشی اشاره دارد که یا به صورت حدسی اتفاقی یا «الغرض» ظاهر می‌شود؛ به لحاظ آنکه اشتباه، عبارت از قصور در استفاده صحیح از نظامی شناخته شده است؛ اما خطا عبارت از انحرافی بارز از قواعد دستور زبان بزرگ‌سالان است که منعکس‌کننده توانش زبان بینابینی محصل می‌باشد» (داگلاس براون، ۱۳۶۳: ۲۰۶).

۲. از این روش می‌توان به عنوان وسیله‌ای برای گسترش مهارت در کاربرد تلفیقی سطوح واژگانی، نحوی و متنی بهره برد. ترجمه برای تمرین این تلفیق از بیشتر شیوه‌های آموزشی دیگر، موجزتر است (الس و دیگران، ۱۳۷۲: ۴۸۳).

زبان را عملاً در نظر داشته باشد، تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود بین حروف ربط و چگونگی قرار گرفتن آن‌ها در جمله‌ها، و ترکیب دیگر اجزای جمله را بررسی کند و آن‌ها را به صورت کاربردی بیاموزد؛ مثلاً دربارهٔ حرف «که»، یکی از نتایج این تقابل، آن است که دانشجو درمی‌یابد در درجهٔ اول، حرف «که» در زبان فارسی، تنها یک معنا ندارد و معادل‌های آن نیز در جمله‌های عربی، به یک شکل نیست؛ در درجهٔ دوم، همان‌طور که این حرف در زبان فارسی، در جمله‌های مختلف، معنایی متفاوت دارد، معادل‌های آن در عربی نیز در هر جمله، متفاوت‌اند؛ مثلاً «حیث» در جمله‌های زمانی، سببی و مکانی، «جملهٔ حالیه» در جمله‌های زمانی و حالت، و «حتی» در جمله‌های زمانی و نتیجه می‌تواند معادل «که» قرار گیرند. نکتهٔ دیگر، آن است که دانشجو درمی‌یابد حرف «که» فارسی از منظر واژه‌شناسی، یک شکل دارد؛ اما معادل‌های آن در زبان عربی از همین منظر، متعددند. یکی از نظریه‌های نوین زبان‌شناسی که به بررسی واژگان دستوری مانند حروف ربط، و رابطهٔ آن‌ها با نوع و معنای جمله اختصاص یافته، نظریهٔ اصول و پارامترهاست. پرداختن به اصول و مبانی گوناگون این نظریه، خارج از محدودهٔ پژوهش حاضر است؛ ولی اشاره‌ای به رویکرد این نظریه به روابط دستوری و معنایی در قالب اندک واژگانی خاص به نام واژگان دستوری (کارکردی)، بیانگر اهمیت آشنایی زبان‌آموزان با این واژگان و شیوهٔ درست کاربرد آن‌ها در ترجمه است. براساس نظریهٔ اصول و پارامترها، بخشی عمده از ساختارهای زبانی، براساس ویژگی‌های مقوله‌های کارکردی^۱ شکل می‌گیرند؛ به عبارت دیگر، مقوله‌های کاربردی (دستوری)، حامل ویژگی‌های نحوی جمله‌اند؛ در حالی که مقوله‌های محتوایی، تنها حامل اطلاعات معنایی جمله هستند (او‌هالا^۲، ۱۹۹۰؛ ردفورد^۳، ۲۰۰۹).

یکی از مقوله‌های کارکردی مهم که نوع جمله را بیان می‌کند، مقولهٔ متمم‌نما^۴ است. این مقوله، ویژگی‌های دستوری «پایه/پیرو^۵»، «+ سؤال^۱»، «+ موصول^۲»، «+ مبتدا^۳»،

-
1. Functional Categories
 2. J.Ouhalla
 3. A. Radfor
 4. Complementizer Phrase
 - 5.+/- Root

«کانون»^۴ و... را نشان می‌دهد (کریمی، ۲۰۰۵؛ درزی، ۱۳۸۹)؛ مثلاً واژگان متمم‌نمای «إن» در زبان عربی، نشانگر جملهٔ «+پایه» و «أن» نشانگر جملهٔ «- پایه» است. ویژگی «+ سؤال» با «هل» و ویژگی «+موصولی» با متمم‌نمای «الذی» و فروع آن نشان داده می‌شود. یکی از علت‌های تفاوت‌های نحوی میان زبان‌های مختلف، غنای واژگان در مقوله‌های کارکردی است؛ مثلاً در زبان انگلیسی، تنها واژگان مقولهٔ متمم‌نما «That»، «If» و «For» هستند و در زبان فارسی، «که»، «آیا» و «اگر» از این مقوله‌اند؛ در حالی که در زبان عربی، واژه‌هایی متعدد، متعلق به مقوله‌های متمم‌نما هستند؛ از جمله: «إن»، «أن»، «هل»، «الذی»، «التي» و... که هر کدام به‌نوعی، ویژگی‌های نحوی بیان‌شده برای مقولهٔ متمم‌نما را نشان می‌دهند.

بدین ترتیب، در زبان عربی، بیشتر ویژگی‌های نحوی، با استفاده از واژگان مقوله‌های کارکردی ظاهر می‌شوند که تنوعی در خور توجه دارند؛ حال آنکه در زبان انگلیسی، به-علت کم‌بودن واژگان کارکردی، با استفاده از اصل جابه‌جایی (حرکت سازه^۵)، به این مسئله پرداخته می‌شود؛ مانند حرکت فعل کمکی به جایگاه هستهٔ متمم‌نما برای نشان‌دادن ویژگی نحوی «سؤال»؛ همچنین در زبانی مانند فارسی، با استفاده از یک فرایند واژگانی، یعنی ترکیب متمم‌نمای «که» با واژه‌های دیگر، این مسئله نشان داده می‌شود.

۳. تحلیل خطاهای دانشجویان در ترجمهٔ «که» قیدی و ترکیبات حاصل از آن

بررسی شیوهٔ نگارش و ترجمهٔ دانشجویان رشتهٔ زبان عربی نشان می‌دهد که یکی از مشکلات بیشتر آن‌ها، بروز خطا در معادل‌یابی برای حرف «که» یا کلمه‌های حاصل از آن، هنگام برگرداندن به زبان عربی است؛ از این روی، به دلیل اهمیت و ضرورت تحلیل و تصحیح خطاهای دانشجویان در این زمینه، عمده‌ترین خطاهای آنان را در معادل‌یابی برای

1. +/-Question
2. +/-Predicative
3. Topic
4. Focus
5. Move

حرف «که» یا کلمه‌های حاصل از آن در مهم‌ترین جمله‌های قیدی بررسی کرده‌ایم؛ البته پیش از پرداختن به این مسئله، لازم است دو نکته را ذکر کنیم: نخست، آنکه تنها خطاهای مربوط به ترجمه حرف «که» را بررسی کرده و از دیگر خطاهای موجود در ترجمه آن‌ها چشم‌پوشی کرده‌ایم؛ دوم، آنکه معادل‌ها یا اسلوب‌های پیش‌نهادی، مستند به جمله‌هایی است که در متون عربی یافته‌ایم و هرگز ادعا نمی‌کنیم صرفاً همین معادل‌ها به‌عنوان معادل درست به کار می‌روند.

۴. میانگین ترجمه دانشجویان در جمله‌های قیدی و تحلیل آن‌ها

در این قسمت از مقاله، برای تفهیم بهتر مطالب، جمله‌های قیدی داده‌شده به دانشجویان را جداگانه تحلیل می‌کنیم و ضمن بیان میانگین (درصد) ترجمه درست جمله‌ها و نتایج تحلیل واریانس، علت خطاها و تأثیر روند آموزش زبان عربی را در بسامد خطاهای آنان بررسی می‌کنیم:

۴-۱. جمله استثنا

ادواتی که در زبان عربی، برای این جمله‌ها به کار می‌روند، متنوع نیستند و برخی از آن‌ها به ادات استثنا در زبان فارسی، نزدیک‌اند. دانشجویان در ترجمه این جمله، بهتر از دیگر جمله‌ها عمل کرده‌اند و همان‌گونه که نمودار نشان می‌دهد، از آغاز، در ترجمه این حرف، مشکلی ندارند؛ البته در پی ادامه تحصیل، عمل کرد آنان در ترجمه، در مقایسه با نیم‌سال سوم، ضعیف‌تر شده است. در تحلیل واریانسی که روی نمره‌های ترجمه این جمله انجام دادیم، میزان ($F=4/290$ و $p=0/016$) به دست آمد؛ بنابراین، تفاوتی معنادار بین میانگین ترجمه وجود دارد و بنابر جدول آزمون تعقیبی^۱، برای این جمله، این تفاوت تنها بین نیم‌سال‌های سوم و پنجم، معنادار است و میزان توانش دانشجویان در نیم‌سال سوم، بهتر از نیم‌سال پنجم بوده است؛ از این روی، تفاوت به دلیل افت یادگیری اتفاق افتاده است و این

افت نشان می‌دهد دانشجویان در کاربرد درست این ادات تمرین نکرده‌اند. جمله زیر را برای بررسی، به دانشجویان ارائه داده‌ایم:

(۱) چاره‌ای نداشتم جز اینکه ترکش کنم.

واضح است که معادل «جز اینکه» در این جمله، «إلا أن» است؛ اما برخی دانشجویان، معادل‌های «أن»، «الذی»، «حتى أن»، «حتى»، «مما» و «إلا حتی» را به کار برده‌اند و گاه نیز در جمله، «إلا» را بدون «أن» ذکر کرده‌اند.

۲-۴. جمله مقایسه

در این جمله نیز عمل کرد دانشجویان نیم‌سال سوم، بهتر از نیم‌سال‌های پنجم و هفتم است و مانند جمله قبل، در نیم‌سال پنجم، افت یادگیری رخ داده و ترجمه در نیم‌سال هفتم، قدری بهتر شده است. در تحلیل واریانسی که روی نمره‌های ترجمه این جمله انجام شد، میزان ($F=۳/۳۹۰$ و $p=۰/۰۳۷$) به دست آمد؛ بنابراین، بین میانگین‌ها، تفاوتی معنادار دیده می‌شود و طبق جدول آزمون تعقیبی، بین میانگین ترجمه در نیم‌سال‌های سوم و پنجم، تفاوتی معنادار دیده می‌شود؛ بدان معنا که میزان توانش دانشجویان در نیم‌سال سوم، بسیار بهتر از نیم‌سال پنجم است؛ اما در نیم‌سال‌های سوم و هفتم، و پنجم و هفتم، تفاوتی معنادار وجود ندارد؛ بر این اساس، در نیم‌سال سوم، ترجمه این گونه جمله‌ها به دانشجو آموزش داده شده است؛ اما به دلیل نبود ممارست، آنان ساختار درست را فراموش کرده‌اند. در اینجا، ترجمه درست این جمله و خطاهای دانشجویان را ذکر می‌کنیم:

(۲) بیشتر از اینکه به درس اهمیت بدهد، به فکر فوتبال است.

- يهتّم بكرة القدم أكثر مما يهتّم بالدرس.

ترجمه این جمله با استناد به جمله عربی زیر است:

▪ كل منهما مع ذلك رفيق بصاحبه شفيق عليه أكثر مما يظهر له (حسين، ۱۹۷۳: ۲۴).

- با این وجود، هریک از آن‌دو، بیشتر از اینکه در ظاهر نشان می‌دهند، همراه و

دل‌سوز هم هستند.

بررسی ترجمه‌های دانشجویان نشان می‌دهد که یکی از علت‌های مهم خطاهایشان، اثرپذیری از زبان مادری و بی‌توجهی به ساختارهای متفاوت جمله‌ها در زبان‌های فارسی و عربی بوده است؛ مانند:

- أكثر من هذا الذي يهتمّ بالدرس يهتمّ بكرة القدم.

- أكثر أن يهتمّ بالدرس هو يفكرّ بكرة القدم.

- مزيد من توجّهه إلى كرة القدم يتوجّه إلى الدرس (تأثیر زبان مادری در انتخاب برخی واژه‌ها).

برخی ترجمه‌ها نیز نشان می‌دهند اسلوب‌های «أفعل تفضیل» به دانشجویان آموزش داده شده است؛ اما به دلیل نبودِ ممارست، آنان کاربرد درست این اسلوب را فراموش کرده‌اند؛ مانند:

- هو أكثر اهتماما بكرة القدم منه إلى الدرس.

۳-۴. جمله‌های هدف

در این گونه جمله‌ها، میانگین ترجمه دانشجویان نشان می‌دهد که از آغاز، تنها سی درصد آنان توانسته‌اند جمله‌ها را درست ترجمه کنند و با اینکه ترجمه دانشجویان در نیم‌سال هفتم، کمی بهتر شده است، براساس تحلیل واریانسی که روی نمره‌های ترجمه انجام شد، میزان ($F=2/227$ و $p=0/113$) به دست آمد؛ بنابراین، تفاوتی معنادار بین میانگین‌ها وجود ندارد و میزان توانش دانشجویان در هر سه نیم‌سال، یکسان بوده و افزایش دانشی رخ نداده است.

برخی ادوات مورد استفاده در ترجمه این جمله‌ها، ادوات ناصبه مانند «حتی»، «کی»، «لام» و... هستند که دانشجویان بیش از دیگر ادوات ربط، با آن‌ها سروکار دارند؛ پس نمی‌توان گفت معادل‌های «که» قید هدف به آن‌ها آموزش داده نشده است؛ اما می‌توان ادعا کرد دانشجویان موارد کاربرد درست این ادوات را نمی‌دانند. در اینجا، این جمله‌ها را بررسی می‌کنیم:

۳) سعید کجاست که برود نان بخرد؟

- أين سعيد (حتی) لیذهب لا شترأ الخیز؟

در این جمله، بیشتر دانشجویان «که» را حرف مصدری «أَنْ» ترجمه کرده‌اند؛ در حالی که «أَنْ»، هدف را در جمله نشان نمی‌دهد. برخی هم بدون توجه به صیغه فعل (مضارع التزامی)، معادل‌های «الذی»، «أَنْ»، «حیث»، «حیث أَنْ» و «مما» را به کار برده‌اند؛ اما با توجه به ادواتی که در زبان عربی، نشان‌دهنده غایت فعل هستند، «لام» و «حتی»، معادل‌هایی خوب برای «که» در این جمله هستند. معادل‌های پیش‌نهادی نگارندگان، با استناد به جمله‌های زیر بیان شده است:

■ نامی لتفیقی فی الصباح (مینه، ۱۹۸۴: ۲۱۱).

- بخواب که صبح، بیدار شوی.

■ هل أنت قاض حتی أعترف بین یدیک (بنت‌الهدی، بی تا: ۲۰۱).

- مگر تو قاضی هستی که جلویت اعتراف کنم؟ قاضی نیستی که درمقابلت اعتراف کنم).

۴. این‌ها را برای گفتن که خودت را ناراحت نکنی.

- قلت لك هذه (الأقوال) لأن (لکی) لا تحزن نفسك.

در این نمونه، با استناد به جمله‌های زیر، «لأن» و «کی (لکی)» می‌توانند معادل «که» باشند:

■ وحيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره لثلا يكون للناس عليكم حجه (قرآن، بقره: ۱۵۰).

- هر کجا بودید، روی به‌جانب آن (مسجدالحرام) کنید که (تا) مردم جز ظالمان، دلیلی برضد شما نداشته باشند!

۱. گاهی حرف ربط در این جمله‌ها مانند جمله‌های سببی است؛ اما به‌راحتی می‌توان ساختار آن‌ها را از روی وجه فعل تشخیص داد؛ چون فعل در این دسته از جمله‌ها همیشه در وجه التزامی (معمولاً مضارع التزامی) است و در جمله‌های سببی اگر علتی خاص مانند افزوده شدن فعل‌های اضافه یا کلمه‌های «باید» و «شاید» باعث التزامی شدن آن نشود، به صورت اخباری است (محشمی، ۱۳۷۰: ۳۵۱ و ۳۵۷).

■ ... لا ترید أن تنظر إلى صورة إبراهيم بمراًى و مشهد من نقاء، لكيلا يبدو عليها ما يريب (بنت‌الهدى، بی تا: ۵۴).

- نمی‌خواست در برابر نقاء، به عکس ابراهیم نگاه کند که مبادا نشانه‌های شک، بر او ظاهر شود.

اما بیشتر دانشجویان «الذی» و «أن» را در جمله به کار برده‌اند؛ البته یکی از آن‌ها نیز جمله را به صورت زیر ترجمه کرده که تأثیر زبان فارسی بر ترجمه او آشکار است:

- لذلك قلت هذه لا تحزن نفسک.

۴-۴. جمله‌های نتیجه

در این جمله‌ها، بیشتر، ادوات ربط مرکبی همچون «آن‌قدر... که»، «چنان... که»، «طوری-که» و... به کار می‌رود؛ اما در زبان عربی، معادل‌های مرکب و به‌ویژه حروف ربط گسسته به دانشجویان آموزش داده نمی‌شود. در بررسی آماری این جمله‌ها مشاهده شد که نه تنها دانشجویان در هر سه نیم‌سال، عمل‌کردی خوب نداشته؛ بلکه یادگیری‌اش نیز افت کرده است. در این جمله‌ها، تحلیل واریانس انجام شده روی نمره‌های ترجمه، عدد $F=2/573$ و $p=0/081$ را نشان می‌دهد؛ بنابراین، تفاوتی معنادار بین میانگین‌ها وجود ندارد و میزان توانش دانشجویان در هر سه نیم‌سال، یکسان بوده و افزایش دانشی در او رخ نداده است. در اینجا، ترجمه این جمله‌ها و خطاهای دانشجویان را آورده‌ایم:

۵) زلزله شدیدی آمد که باعث شد پایش بشکند.

- زلزل زلزلة حتى (مما) أدت إلى انكسار رجله.

دانشجویان برای ترجمه «که» در این جمله، معادل‌هایی همچون «حيث»، «التي»، «أن»، «لأن»، «او» حالیه و «أن» را به کار برده‌اند و در بیشتر موارد، از «او» حالیه و «أن» استفاده کرده‌اند؛ اما با توجه به اینکه جمله پیرو بیان‌کننده نتیجه جمله اصلی (پایه) است، می‌توان با استناد به جمله‌های زیر، «حتى» و «مما» را برای ترجمه «که» برگزید:

■ فزلزلت عليهم زلزلة شديدة حتى سقطت تلك الأصنام (يعقوبی).

- بر آن‌ها، زلزله شدیدی آمد که آن بت‌ها فرو ریخت.

▪ قد تبع ذلك سقوط الثلج فعلا بكميات تغزيره على تلك الجبال في مدى شهر واحد مما أدى إلى مضاعفة سمك طبقات الجليد و كانت النتيجة أن كثرت المياه في النهر (الكرمي، ۲۰۰۰: ۷۰).

- این امر، عملاً باریدن مقدار فراوان برف بر روی کوه‌ها را در طول یک ماه به دنبال داشته است که باعث چندبرابری شدن سقف طبقه‌های یخ شده است و نتیجه آن، این بود که آب‌ها در رود، زیاد شد.

۶. آن قدر حرف زد که خسته شد.

- تحدث و تحدث حتى تعب.

در این جمله، حرف زدن فرد، خستگی او را در پی داشته و در واقع، «که» به معنای «تا-اینکه» است و در ترجمه آن می‌توان از «حتی» غایب استفاده کرد؛ علاوه بر آن، لفظ «آن-قدر» را در جمله می‌توان با پیوند فعل جمله پایه به کمک «واو» عطف نشان داد؛ مانند:

ترجمه پیش‌نهادی ما با استناد به جمله زیر است:

▪ طال هذا التردد وطال حتى تغلب العقل (حسین، ۱۹۷۳: ۸۸).

- (آن قدر) این شک و تردید طول کشید که بر عقل، چیره شد.

اما از میان دانشجویان، تنها یک نفر برای «آن قدر... که»، شیوه درست را به کار برده است. اشتباه دانشجویان در این بخش، دو دلیل دارد: یا نوع جمله پیرو را تشخیص نداده‌اند و یا معادل این واژه به آن‌ها آموزش داده نشده است. در این جمله، علاوه بر «أن» و «الذی» که بیشترین خطاهای زبان‌آموزان را به خود اختصاص داده‌اند، معمولاً برای رساندن مفهوم «آن قدر»، از «کم»، «کما»، «ریشما»، «حیشما» و «کذلک» استفاده شده است؛ مانند:

- کذلک حرف الذی تعب (در این نمونه، واژه «حرف»، از واژه‌های زبان مادری

دانشجو نشأت گرفته است).

۷) چنان کتکش زد که نزدیک بود بمیرد.

- ضربه ضرباً حتی کاد أن يموت (ضربه حتی کاد أن يموت).

در این جمله نیز به همان علت‌هایی که دربارهٔ جملهٔ قبل گفتیم، بیشتر دانشجویان برای حرف ربط گسستهٔ «چنان... که»، هیچ معادلی ذکر نکرده و جملهٔ وابسته را به صورت جملهٔ سادهٔ زیر ترجمه کرده‌اند:

- کاد أن يموت بضرباته الشديده.

برخی نیز «أن»، «بھیث حتی»، «ھیث أن»، «واو عطف»، «الذی»، «کما أن»، «کم... أن»، «ما» موصولی و... را به کار برده‌اند؛ مانند:

- ضربه بھیث حتی کاد يموت (در این جمله، «بھیث» برای ترجمهٔ «چنان» به کار رفته است).

- ضربه ضربا شديدا الذی کاد يموت (در اینجا، مفعول مطلق برای نشان دادن لفظ «چنان»، درست است).

جمله‌های زیر، اساس ترجمهٔ پیش‌نهادی نگارندگان است:

▪ قد دارت بی الأرض حتی کدت أسقط (حسین، ۱۹۸۶: ۱۰۳/۱).

- زمین (چنان) دور سرم چرخید که نزدیک بود بیفتم.

▪ تصطک أسنانه اصطکاكا حتی روع رفیقه الصبی (حسین، ۱۹۸۶: ۱۰۳/۱).

- دندان‌هایش چنان به هم خورد که رفیقش ترسید.

۵-۴. جملهٔ مکانی

از این گروه، تنها یک جمله به دانشجویان داده شد که به دلیل شباهت آن به جملهٔ موصولی، بیشتر دانشجویان «که» را «الذی» ترجمه کرده‌اند. در این جمله، میانگین ترجمه نشان می‌دهد که تنها حدود چهل درصد از دانشجویان نیم‌سال سوم، جمله را درست ترجمه کرده‌اند و میزان توانش دانشجویان در نیم‌سال سوم، بسیار بهتر از نیم‌سال هفتم است. میانگین‌ها بیانگر آن است که در نیم‌سال‌های مختلف و به دنبال ادامهٔ تحصیل، نه تنها افزایش دانشی رخ نداده؛ بلکه یادگیری نیز رو به کاستی رفته است. در تحلیل واریانسی که روی نمره‌های ترجمه انجام شد، میزان ($F=4/096$ و $p=0/019$) به دست آمد؛ بنابراین، بین میانگین ترجمهٔ جمله‌ها، تفاوتی معنادار دیده می‌شود و طبق جدول آزمون تعقیبی جمله،

بین میانگین ترجمه در نیم‌سال‌های سوم و هفتم، تفاوتی معنادار دیده می‌شود؛ اما بین میانگین ترجمه در نیم‌سال‌های سوم و پنجم، و پنجم و هفتم، تفاوتی معنادار وجود ندارد. دلیل تفاوت در این جمله، افت یادگیری است و این افت نشان می‌دهد که دانشجویان نه تنها نوع «که» را تشخیص نداده‌اند؛ بلکه در ترجمه آن نیز ممارست نکرده‌اند. در اینجا، ترجمه درست این جمله و خطاهای دانشجویان را ذکر می‌کنیم:

۸) من در رودبار که زلزله آمد، متولد شدم.

- أنا ولدت فی رودبار حیث حدث زلزال.

باتوجه به ژرف‌ساخت جمله، «که» در اینجا، به معنای «مکانی که» یا «جایی که» به کار رفته است و غرض، توصیف «رودبار» نیست؛ بلکه روی دادی موردنظر است که در رودبار رخ داده است؛ از این روی، با استناد به جمله زیر، معادل پیش‌نهادی برای ترجمه «که»، «حیث» است:

▪ يعكس الأمر فی المجتمع الأمريكي، حیث تكون علاقة الآباء بالأبناء - فی الطفولخ
بخاصه - وثيقة حمیمه (حجازی، ۱۹۸۵: ۴۵).

- این قضیه در جامعه آمریکا که رابطه پدران با فرزندان، به ویژه در دوران کودکی، محکم و صمیمی است، برعکس است.

پس مثال (۸) با استفاده از معادل «التي» ترجمه نمی‌شود؛ علاوه بر این واژه، از جمله دیگر معادل‌های نادرستی که دانشجویان برای «که» در این جمله آورده‌اند، «من» موصول، «واو» عطف، «أن»، «أن» و «ما» است.

۶-۴. جمله‌های زمانی

میانگین ترجمه انواع جمله‌ها نشان می‌دهد که خطاهای دانشجویان در این جمله‌ها، متنوع‌تر از دیگر جمله‌ها بوده است؛ چون در زبان عربی، معادل‌ها و اسلوب‌هایی متنوع برای ادات ربط زمانی وجود دارد که بیشتر دانشجویان از آنها بی‌اطلاع‌اند. در مواردی هم دانشجویان ادوات و اسلوب‌ها را شناخته‌اند؛ اما در نیافته‌اند در چه جمله‌هایی آن‌ها را به کار برند. میانگین ترجمه این جمله‌ها گویای آن است که هیچ‌گونه یادگیری‌ای رخ نداده است و

تنها کمتر از سی درصد دانشجویان نیم‌سال سوم، جمله‌ها را درست ترجمه کرده‌اند. به‌دنبال ادامه‌ی تحصیل دانشجویان، نه‌تنها پیش‌رفتی صورت نگرفته؛ بلکه یادگیری نیز رو به نقصان است. در تحلیل واریانس که روی نمره‌های ترجمه‌ی این جمله‌ها انجام شد، میزان ($F=1/808$ و $p=0/169$) به‌دست آمده است؛ از این روی، بین میانگین‌ها، تفاوتی معنادار وجود ندارد. در اینجا، ترجمه‌ی درست جمله‌ها و خطاهای دانشجویان را ذکر می‌کنیم:

۹) خواهرم در سال ۱۳۵۷ که انقلاب اسلامی پیروز شد، به دنیا آمد.

- وُلِدْتُ أُخْتِي سَنَةَ ۱۳۵۷ حَيْثُ (إِذْ) انْتَصَرَتْ الثَّوْرَةُ الْإِسْلَامِيَّة.

در این نمونه، جمله‌واره بعد از «که»، صفت برای سال ۱۳۵۷ نیست؛ بلکه با توجه به ژرف‌ساخت جمله، «که» به‌معنی «زمانی که» و غرض، ذکر سال یا زمانی است که انقلاب پیروز شده است؛ اما بیشتر دانشجویان «که» را با واژه «التي» به‌صورت موصولی ترجمه کرده‌اند؛ علاوه‌بر «التي»، از دیگر معادل‌های انتخابی از سوی دانشجویان در این جمله، «أَنْ»، «أَنَّ»، «أَوَّ» عطف، «حتی» و... است؛ درحالی که براساس جمله‌های عربی زیر، «حيث»، «عندما» و «إِذْ» می‌توانند معادل‌هایی خوب برای «که» در این جمله باشند:

■ نُشِرَتِ الْمَجَلَّةُ فِي عِدَّةِ الْجَدِيدِ لِمِحَّةٍ عَنْ تَأْرِيخِ «شَارُون» وَ سَجَلَةِ الْأَسْوَدِ جَاءَ فِيهِ، أَنْ شَارُونِ كَانَ بَرْتَبَهُ نَقِيبَ عَامِ ۱۹۵۳ حَيْثُ تَوَلَّى قِيَادَةَ إِحْدَى كِتَابِ الْإِحْتِيَاطِ فِي مَنْطِقَةِ الْقُدْسِ (عزیزی‌پور، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

- (این) مجله در شماره جدید خود، تاریخچه‌ای از شارون و کارنامه سیاه او منتشر کرد که در آن آمده است که: شارون در سال ۱۹۵۳ که فرمان‌دهی یکی از گردان‌های ذخیره در منطقه قدس برعهده وی بود، درجه سروانی داشت.

■ فَفِي عَامِ ۱۹۲۳، عِنْدَمَا عَقِدَتْ فَرَنْسَا اِتِّفَاقِيَّتَهَا مَعَ تَرْكِيَا، أُلْحِقَ بِهَا ذَيْلُ سَرِي يَتَضَمَّنُ وَعْدًا بِتَسْلِيمِ اللُّوَاءِ إِلَى تَرْكِيَا فِي ظُرُوفِ دَوْلِيَّةِ مَوَاتِيَه (مينه، ۱۹۸۴: ۲۰۵).

- در سال ۱۹۲۳ که فرانسه با ترکیه قرارداد بست، پیوست مخفیانه‌ای به آن ضمیمه شد که وعده می‌داد در شرایط بین‌المللی مناسبی، آن ناحیه را به ترکیه واگذار کند.

▪ ازداد دخلُ البلاد من ۳۰۰۰۰۰۰ دولار فی عام ۱۹۱۷ إلى ۹۰ مليون فی عام ۱۹۵۰ إذ نصَّتْ اتفاقیه جدة الموقعة فی ۳۰ ديسمبر ۱۹۵۰ على منح الحكومة السعودیة نصف صافی أرباح أرامكو (عبدالرحيم مصطفى، ۱۹۷۸: ۴۰).

- **زمانی که** توافق‌نامه جده که در سی دسامبر ۱۹۵۰ به امضا رسید، تصویب کرد که نصف سود خالص ارامکو را به دولت سعودی اختصاص دهد، درآمد کشور در سال ۱۹۱۷ از سی صد هزار دلار به نود میلیون دلار در سال ۱۹۵۰ رسید.

(۱۰) شب که به خانه آمدم، سردرد گرفتم.

- عندما رجعت إلى البيت ليلاً أصبت بالصداع.

در این جمله و جمله قبل، علت عمده خطاهای دانشجویان در ترجمه «که»، آگاه‌نبودن آنان از نوع جمله بعداز «که» است. در جمله یادشده، با توجه به ژرف‌ساخت، «شب» از قیدهای زمان و «که» بعداز آن، به معنای «زمانی که» است؛ اما برخلاف تصور بیشتر دانشجویان مبنی بر موصولی‌بودن جمله پیرو، حرف «که» با ادوات ربط زمانی همچون «عندما»، «حين (حينما)» و «لما» ترجمه می‌شود؛ از این روی، ترجمه در قالب جمله وصفیه یا انتخاب معادل «الذی»، درست نیست. از جمله دیگر معادل‌های انتخابی دانشجویان برای «که»، «واو» عطف، «ثم»، «أن» و... است؛ البته گاهی هم اسلوب «ما إن... متی» را به جای «ما إن... حتی» آورده‌اند که کاربرد آن در این جمله، کاملاً اشتباه است؛ مانند:

- ما إن رجعت إلى البيت متی أصبت بالصداع.

شایان ذکر است که معادل‌های «حين (حينما)» و «لما» را نیز می‌توان به جای «عندما»

قرار داد.

(۱۱) به محض اینکه پیاده شدند، با او ملاقات کردند.

- ما إن نزلوا حتی التقوا به.

- لم یکادوا ینزلون حتی التقوا به.

(۱۲) هنوز وارد خانه نشده بودم که زنگ تلفن به صدا درآمد.

- لم أكد أدخل البيت حتی دق الجرس.

- لم أدخل البيت حتى دق الجرس.

- قد دق الجرس ولما أدخل البيت.

اگر در این دو جمله، «به‌محض اینکه» و «هنوز نه... که» به یک معنا گرفته شود^۱، معمولاً اسلوب «ما إن... حتی^۲» و «لم یکد... حتی» را برای ترجمه آن‌ها به کار می‌برند. نوع ترجمه دانشجویان در این دو جمله نشان می‌دهد بیشتر آنان دو اسلوب یادشده را فرا گرفته‌اند؛ ولی به دلیل تکرار نکردن، آن‌ها را فراموش کرده‌اند؛ مثلاً دانشجویان برای ترکیب «ما إن... حتی» را بدون هیچ فاصله‌ای، در کنار هم آورده است؛ مانند:

- زاروه ما إن حتی نزلوا.

در حالی که کاربرد درست آن، «ما إن نزلوا حتی التقوا به» است و در اسلوب «لم یکد... حتی»، بیشتر دانشجویان کلمه «حتى» را از جمله حذف کرده یا فعل «کاد» را به صورت منفی ترجمه نکرده‌اند و یا صیغه «کاد» و فعل بعد از آن را بر اساس قواعد عربی ترجمه نکرده‌اند. این مطالب، دال بر درستی ادعای ما مبنی بر ممارست نکردن در کاربرد این گونه اسلوب‌هاست؛ مثلاً جمله «به‌محض اینکه پیاده شدند، با او ملاقات کردند» به صورت‌های زیر ترجمه شده است:

- لم یکدینزلون زاروه.

۱. به نظر نگارندگان، معمولاً «به‌محض اینکه» و «هنوز نه... که» می‌توانند به جای هم به کار روند؛ هرچند آذرتاش آذرنوش بین این دو تفاوت قائل شده و نوشته است:

این دو ترکیب را در بسیاری از جاها می‌توان به جای یکدیگر به کار برد؛ اما اصولاً این اختلاف هم وجود دارد که در «لم یکد... حتی»، حادثه دوم بلافاصله پس از حادثه اول رخ می‌دهد و در «ما إن... حتی»، بلافاصله قبل از آن:

- لم یکد یضع یده حتی... هنوز دستش را نگذاشته بود که... .

- ما إن وضع یده حتی...: به‌محض آنکه دستش را گذاشت... (آذرنوش، ۱۳۸۱: ۷۵/۲).

۲. البته در متن‌های عربی، گاه استعمال «ما أن... حتی» نیز دیده می‌شود؛ مانند:

- ما أن أطل منتصف القرن العشرين حتى بدأ أن الحضارة الأوروبية قد تشربت الآراء والأساليب و النظره العلميه (الکرمی، ۲۰۰۰: ۱۳۶).

- به‌محض اینکه نیمه قرن بیستم فرارسید، معلوم شد که تمدن اروپا نظرات، شیوه‌ها و نگاه علمی را به سوی خود جذب کرده است.

- یکاد ینزلون حتی زاروه.

- لم یکادوا نزلوا زاروه.

حال آنکه ترجمه درست آن، «لم یکادوا ینزلون حتی التقوا به» است؛ البته با استناد به جمله‌های عربی زیر، کاربرد ترکیب «بمجرد أن» و «حالما» نیز در این جمله، درست است:

▪ حالما وقع نظر سلمان علی ذلك الرجل أحس بخفقان قلبه (زیدان، بی تا: ۱۳).

- به محض اینکه (به مجرد اینکه) نگاه سلمان به آن مرد افتاد، تپش قلبش را

احساس کرد.

▪ بمجرد أن تمت الفتوح أخذت العرب و الموالی جميعا یعیشون حیاة مشتركة...

(ضیف، بی تا: ۱۶۹/۲).

- به محض اینکه کشورگشایی‌ها انجام شد، عرب‌ها و موالی، همگی زندگی

مشترکی را آغاز کردند.

گاه نیز دانشجویان به جای کلمه «حتی»، از «واو» عطف، «أن» و «أن» استفاده کرده یا «لم

أكد» را «لم أعد» ترجمه کرده‌اند؛ مثلاً جمله «هنوز وارد خانه نشده بودم که زنگ تلفن

به صدا درآمد» این گونه ترجمه شده است:

- لم أكد أدخل البيت و جرس التلیفون.

- لم أكد أدخل البيت أنه جرس التلیفون.

- لم أعد أدخل البيت حتی جرس التلیفون (دانشجو معنای «عاد» را ندانسته و آن را به-

جای «لم أكد» به کار برده است).

ترجمه‌های پیش‌نهادی ما برای این جمله، با استناد به نمونه‌های زیر است:

▪ فما رأنتی حتی عرفنتی (حکیم، ۱۹۷۵: ۴۰).

- همین که مرا دید، شناخت.

▪ فقد أتم حفظه و لما یتم التاسعه من عمره (حسین، ۱۹۸۶: ۳۳/۱).

- هنوز نه سالش تمام نشده بود که تمامی آن را حفظ کرد.

(۱۳) چیزی نگذشت که باران آمد.

- لم یلبث حتی (أن) نزل المطر.

باوجود زیادبودن این گونه جمله‌ها در زبان عربی و ذکرشدن آن‌ها در کتاب‌های مختلف فن ترجمه، بیشتر دانشجویان در ترجمه آن‌ها دچار مشکل می‌شوند. بیشترین معادل‌های انتخابی در این جمله، حرف مصدری «أَنْ»، «أَنَّ»، «الذی»، «واو» عطف و ترجمه به صورت جمله وصفیه است؛ مانند:

- لم یمض مده أن (الذی) نزل المطر.

- مضي قليلا ونزل المطر (ترجمه جمله وابسته به صورت جمله پیوسته با «واو» عطف).

- لم یمض زمناً نزل المطر.

اما چنان‌که می‌دانیم، در این جمله، «ما لبث أن»، «لم یلبث... حتی» و «لم یمض + حتی» را می‌توان به‌عنوان معادل‌هایی برای «چیزی نگذشت که» به کار برد. این موارد با استناد به نمونه‌های زیر است:

▪ ما لبثت أن أخذت تسقط ثلجا على الأرض (الکرمی، ۲۰۰۰: ۷۰).

- **طولی نکشید که** برف بر روی زمین، شروع به باریدن کرد.

▪ لم یلبث إلا قليلا حتى مرت به حمامة يقال لها مطوقة (ابن المقفع، ۲۰۰۵: ۱۱۸).

- **چیزی نگذشت که** کبوتری که مطوقه نام داشت، از کنار او رد شد.

▪ لم یمض وقت طویل حتى تعقدت الأمور بين الجامعة و بين صاحبنا (حسین،

۱۹۸۶: ۱۵۴).

- **دیری نپایید که** میان دوست ما و دانشگاه (مصر)، مشکلی پیدا شد.

شایان ذکر است که بیشتر دانشجویان حرف «که» را در جمله‌های داده‌شده، با دو حرف «أَنْ» مصدری و «الذی» ترجمه کرده‌اند. این مسئله نشان می‌دهد که دانشجویان مباحث حروف را در کتاب‌های نحوی، به‌خوبی فرانگرفته‌اند و یا آن‌ها را به‌صورت کاربردی نیاموخته‌اند و شاید بتوان گفت متأسفانه، بیشتر استادانی که آموزش نحو عربی را برعهده دارند، چندان به مبحث حروف نپرداخته‌اند.

(۱۴) یک ماه بود که از او خبری نداشت.

- لم يطلع عنه منذ شهر.

زمان این جمله در زبان عربی، با استناد به جملهٔ عربی زیر معمولاً با «منذ» نشان داده می‌شود:

■ لقد مات خليل منذ قرون طويلة (حسین، ۱۹۸۶: ۲/۱۵۶).

- خليل قرن هاست که مرده است.

اما معادل‌های انتخابی دانشجویان برای حرف «که»، عبارت‌اند از: «الذی»، «أنّ»، «أن»، «او» عطف، «حتی» و «حيث». حتی دانشجویان به تأثیر از زبان فارسی نوشته‌اند:

- كان شهرا لم يطلع عنه.

- كان شهرا لم يطلع خلاله عنه.

۲-۴. جمله‌های سببی

جمله‌های سببی به شیوه‌هایی متفاوت ترجمه می‌شوند؛ اما دانشجویان همهٔ این شیوه‌ها را نمی‌دانند؛ از این روی، در ترجمه‌هایشان، بسیار ضعیف عمل کرده‌اند. میانگین ترجمهٔ درست این جمله‌ها نشان می‌دهد دانشجویان نیم‌سال سوم ۱۰/۲۰ درصد، دانشجویان نیم‌سال پنجم ۱۲/۲۲ درصد و دانشجویان نیم‌سال هفتم بیست درصد، حرف «که» و ترکیبات حاصل از آن را درست ترجمه کرده‌اند. میانگین‌ها گویای این است که دانشجویان در هر سه نیم‌سال، بسیار ضعیف عمل کرده‌اند و هیچ‌گونه یادگیری‌ای رخ نداده است. در تحلیل واریانس که روی نمره‌های ترجمه انجام شد، میزان ($F=2/116$ و $p=0/126$) به دست آمد؛ بنابراین، تفاوتی معنادار بین میانگین‌ها وجود ندارد و میزان توانش دانشجویان در هر سه نیم‌سال، یکسان است و افزایش دانشی دیده نمی‌شود؛ بر این اساس، معادل‌های درست «که» به دانشجویان آموزش داده نشده است. در اینجا، ترجمهٔ این جمله‌ها و خطاهای دانشجویان را بررسی می‌کنیم:

(۱۵) حالا که این اتفاق افتاده، باید کمکش کنیم.

- الآن وقد حدث هذا، علينا أن نساعده.

در این جمله، نکته قابل توجه، آن است که از میان تمام دانشجویان، تنها یک نفر ترکیب ربطی «حالا که» را درست ترجمه کرده است و از جمله بیشترین معادل‌های اشتباه به کاررفته در این جمله، «واو» عطف، «الذی» و «أن» است؛ مانند:

- الآن علينا نساعده، أن حدث هذا الاتفاق (با توجه به قواعد عربی، این گونه ترجمه، کاملاً نادرست است).

- الآن الذی حدث هذا الاتفاق، علينا أن نساعده (ترجمه تحت‌اللفظی «حالا که» و تأثیر زبان مادری در معادل‌یابی).

البته بیشتر دانشجویان، سببی بودن جمله را تشخیص داده و از حروف ربط سببی از جمله «لام» تعلیل و «الآن» استفاده کرده‌اند. این معادل‌ها اشتباه نیست؛ اما با استناد به جمله زیر، ترجمه دقیق «حالا که»، «الآن + واو حالیه» است:

■ الآن وقد وضعتُ يدك في يد امرأه جميله فيأني أستاذنك في الانصراف (حكيم، ۱۹۷۵: ۳۳).

- **حالا که** دستت را در دست زن زیبایی قرار داده‌ام، از تو اجازه می‌خواهم بروم.

(۱۶) از آنجاکه درس نخوانده بود، امتحانش را خوب نداد.

- بما (لما) أنه لم يدرس، فما أدی امتحانا جيدا.

در این جمله، خطاهای دانشجویان، زیاد است و از جمله آن‌ها می‌توان «حتی ما»، «واو» حالیه، «اینما»، «من این ما»، «حیثما»، «حیث» و... را ذکر کرد. این خطاها یا به دلیل تشخیص ندادن نوع جمله پیرو یا به سبب دخالت زبان فارسی در معادل‌یابی آن‌ها روی داده است؛ مانند:

- اینما (من این) ما قرأ درسه ما أدى امتحانه جيدا (معادل انتخابی، نشان‌دهنده

تشخیص ندادن نوع جمله پیرو است).

- إلی جانب هذا أن لم يطالع درسهما ما أدى امتحانه.

- ما أدت الإمتحان جيدا من ذلك أن (من الناحیه التي) لم يدرس أبدا.

در اینجا، معادل‌های پیش‌نهادی ما برای «از آنجاکه»، عبارت‌اند از: «بما أن»، «حيث إن»، «حيث أن^۱» و «من حيث إن» که به دلیل کاربرد زیادشان در جمله‌های عربی، نمونه‌های آن‌ها ذکر نمی‌شود.

(۱۷) دروغ نگو که رسوا می‌شوی.

- لا تكذب فتفتضح.

معادل پیش‌نهادی ما برای «که» در این جمله، «فاء» سبب است؛ اما با وجود آموزش دادن آن در درس‌های نحوی، بیشتر دانشجویان معادل‌های «مما»، «أن»، «لأن»، «أن»، «حتى»، «الذی» و «حيث» را برای «که» انتخاب کرده‌اند. علت این گونه کاربرد، فرانگرفتن دقیق موارد استعمال «فاء»ی سبب یا تشخیص ندادن جمله پیرو است.

۸-۴. جمله‌های حالت

در این جمله‌ها نیز مانند بیشتر جمله‌های قیدی، میانگین‌ها نشان می‌دهند در ترجمه دانشجویان، هیچ گونه یادگیری‌ای رخ نداده است و در هر سه نیم‌سال، کمتر از پانزده درصد آن‌ها توانسته‌اند حرف «که» و ترکیبات حاصل از آن را درست ترجمه کنند؛ بر این اساس، معادل‌های درست «که» به دانشجویان آموزش داده نشده است. در تحلیل واریانسی که روی نمره‌های ترجمه انجام شد، میزان $F=0/969$ و $p=0/383$ به دست آمد؛ از این روی، تفاوتی معنادار بین میانگین‌ها وجود ندارد و میزان توانش دانشجویان در هر سه نیم‌سال، یکسان بوده و افزایش دانشی رخ نداده است. در اینجا، ترجمه این جمله‌ها و خطاهای دانشجویان را بررسی می‌کنیم:

(۱۸) از کنار علی که زیر درخت خوابیده بود، رد شدم.

- مررت بعلى و هو قد اضطجع تحت الشجرة.

۱. «حيث أن» به استاد:

- حيث أن الكلمة بأقسامها المختلفة هي نواه الجملة و التركيب فإن اللغويين اعتنوا بها و بدراستها (أبومغلي،

۲۰۰۴: ۱۲۲).

- از آنجا که کلمه با اقسام مختلف خود، همان هسته جمله و ساخت است، زبان‌شناسان، آن را بررسی کرده‌اند.

در این مثال، «که» به معنای «درحالی که» و جمله‌واره «زیر درخت خوابیده بود»، توصیفی از حالت «علی» است؛ اما علاوه بر قید حالت، صفت برای «علی» نیز هست؛ چون در جمله‌های موصولی، اسم موصول به جای صفت یک اسم یا ضمیر، از جمله پایه می‌آید و آن را وصف می‌کند که در این جمله، صادق است؛ ولی از آنجا که ادوات موصول، حالت جمله را نشان نمی‌دهند، ترجمه به صورت جمله‌حالیه، بهتر است. در این جمله، بیشترین معادل‌های انتخابی دانشجویان برای «که»، عبارت‌اند از: «أن»، «من» موصوله، «حيث»، «متى»، «حينما»، «إن»، «حتى»، «ما» و «أن»؛ حال آنکه نمونه‌های زیر، ترجمه‌پیش‌نهادی ما را تأیید می‌کنند:

■ نهضتُ أم الفتى وقد انتهى صبرها (حسین، ۱۹۸۶: ۱/۱۳۲).

- مادر جوان که صبرش لبریز شده بود، برخاست.

■ لقد رأيتك ذات يوم جالسة على حجر أبيك (حسین، ۱۹۸۶: ۱/۱۴۷).

- روزی تو را دیدم که در آغوش پدرت نشسته بودی.

البته چنان که گفتیم، با استناد به جمله‌ی زیر، ترجمه‌ی جمله‌ی پیرو با اسم یا «ال» موصول نیز مردود نیست:

- قالها و تفرس فی قاسم الجالس أمامه (مینه، ۱۹۸۴: ۲۰۲).

۱۹) داشت حرف می‌زد که علی وارد شد.

- دخل علی و هو يتحدث (ترجمه‌ی جمله‌ی پیرو به صورت جمله‌ی حالیه).

- فیما كان يتحدث، دخل علی (دخل علی، فیما كان يتحدث).

- بينما هو يتحدث، إذ دخل علی (دخل علی، بينما كان يتحدث).

این جمله، بی‌شبهت به جمله‌های زمانی نیست؛ یعنی می‌توان آن را به ژرف‌ساخت «وقتی که حرف می‌زد، علی وارد شد» برگرداند؛ اما با توجه به مطالبی که در کتاب جمله و تحول آن در زبان فارسی، اثر خسرو فرشیدورد، درباره‌ی جمله‌ای شبیه این نمونه آمده است، می‌توان گفت این جمله، درزمره‌ی جمله‌های حالت قرار می‌گیرد. فرشیدورد نوشته است: «امروز، "که" اگر به معنی "در آن حال" و "درحالی که" باشد، از پیوندهای وابستگی کیفیت و حالت است؛ مانند: "من داشتم غذا می‌خوردم که برادرم وارد شد"؛ یعنی "برادرم درحال

غذا خوردن من وارد شد" و بدیهی است جمله‌واره "من داشتم غذا می‌خوردم"، قید حالت جمله-واره دوم است» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۲۹۳).

در اینجا، نکته مهم آن است که زمان جمله‌ای که در آن، فعل «داشتن» به کار رفته، ماضی ملموس (ناتمام) است و «از ماضی استمراری فعل اصلی، همراه با ماضی مطلق فعل معین «داشتن» ساخته می‌شود. ماضی ملموس، فعل را در حال اتفاق افتادن یا نزدیک به اتفاق افتادن در گذشته نشان می‌دهد» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۷۰: ۵۳/۱)؛ از این روی، با توجه به تعریفی که درباره این گونه زمان گفتیم، دو نوع «داشتن» وجود دارد: نخست، آنکه به معنای در حال اتفاق افتادن در گذشته باشد؛ مانند: «داشت حرف می‌زد»؛ دوم، آنکه به معنای در حال نزدیک به اتفاق افتادن در گذشته باشد؛ مانند: «داشتم سوار تاکسی می‌شدم که صدای مهبی شنیدم»؛ بنابراین، فعل «داشتن» در این جمله، به معنای در حال اتفاق افتادن در گذشته است.

ترجمه‌های پیش‌نهادی بالا با استناد به جمله‌های زیر است:

▪ فقد أصبحنا و إن الشمس لتنشر على القرية و ما حولها من هذه الآكام اليسيرة (حسین، ۱۹۷۳: ۲۴).

- خورشید **داشت** روستا و تپه‌های کوچک اطراف آن را فرامی‌گرفت که ما از خواب بیدار شدیم.

▪ فيما كان الرجل ينهض، محاولا احتضان البحار طلبا للنجاة جاءت موجه عاتية قافزه عن حافة المركب فجرفته (مینه، ۱۹۸۴: ۳۱۹).

- **در همان حال** که مرد برمی‌خاست و تلاش می‌کرد تا برای نجات، ملوان را در آغوش گیرد، موجی سرکش به کنار قایق برخورد کرد و آن را برد.

▪ بينما هما في الحديث إذ خار شنزبه خوارا شديدا (ابن المقفع، ۲۰۰۵: ۶۷).

- **همان‌طور که** آن دو با هم حرف می‌زدند، ناگهان شنزبه نعره‌ای سخت کشید.

▪ عثرت على جثته في الباخرة الجانحة، بينما كنت أبحث عن جثة والدي (مینه، ۱۹۸۴:

- همان‌طور که داشتیم به دنبال جسد پدرم می‌گشتم، جسد او را در کشتی کناری پیدا کردم.

یکی از معادل‌های انتخابی دانشجویان برای «که»، اسلوب «ما إن... حتی»، «أن»، «إذا... أن» و «حتی» است؛ مانند:

- إذا دخل علی أنه يتحدث (در این نمونه می‌توان تأثیر زبان مادری را بر ترجمه دانشجویان دید).

- يتكلم حتی دخل علی (در این نمونه، علاوه‌بر نادرست بودن معادل «حتی»، مفهوم «داشتن» از جمله دریافت نمی‌شود).

(۲۰) حرفش داشت تمام می‌شد که دوستش رسید^۱.

- بینما کان علی وشک اتمام حدیثه، وصل صدیقه.

در این جمله، معادل‌های انتخابی دانشجویان برای «که»، عبارت‌اند از: «أن»، «الذی»، «حین»، «حینما»، «عندما»، «واو» عطف، «أن» و...؛ اما با توجه به معناهای ذکرشده برای فعل «داشتن»، در اینجا، این فعل یعنی «آنکه در حال نزدیک به اتفاق افتادن در گذشته باشد» و بر این اساس می‌توان ترجمه پیش‌نهادی آن را با استناد به این جمله دانست:

۱. یحیی معروف در صفحه ۱۸۹ از کتاب فن ترجمه، چهار اسلوب را برای زمان ماضی ملموس آورده است: کان + فی حاله (یا) علی وشک + مصدر فعل موردنظر؛ کاد + مضارع فعل موردنظر؛ فعل ماضی + جمله حالیه؛ بینما + کان + مضارع موردنظر + إذ + فعل ماضی.

وی به این مطلب اشاره نکرده است که دو نوع ماضی ملموس وجود دارد که اسلوب‌های ترجمه آن‌ها با هم متفاوت است و دیگر اینکه «کاد + مضارع فعل موردنظر» در جمله‌های ساده به کار می‌رود؛ نه جمله‌های مرکب؛ مانند: - اتومیل داشت تصادف می‌کرد.

بنابراین، در اینجا به نظر می‌رسد استعمال دو مورد «فعل ماضی + جمله حالیه» و «بینما + کان + مضارع موردنظر + إذ + فعل ماضی» برای ترجمه جمله قبل، مناسب باشد. در این جمله، «بینما + کان + علی وشک + ...» پیش‌نهاد می‌شود؛ البته درباره اسلوب دوم، بهتر است «بینما + کان + علی وشک + مصدر فعل موردنظر» گفته شود.

۲. در اینجا، سه معادل «حین»، «حینما» و «عندما» را رد کرده‌ایم؛ چون معنای زمان ماضی ملموس را نمی‌رسانند؛ مانند: - وصل صدیقه حین (حینما، عندما) تم کلامه.

▪ بینما كانت الدوله على وشك الانهيار أواخر القرن الثالث الميلادي، تمكن رجال من أمثال... من رأب الصدع (مؤنس، ۱۹۷۸: ۲۲۵).

- در اواخر قرن سوم میلادی، دولت **داشت** سقوط می‌کرد که افرادی چون... قادر به اصلاح امور شدند.

(۲۱) همین‌طور که می‌نوشت، حرف هم می‌زد.

- کان یتکلم و هو یکتب.

با توجه به مطالبی که دربارهٔ واژهٔ «همین‌طور که» در کتاب‌های دستور زبان فارسی آمده است، می‌توان این جمله را در زمرهٔ هردو نوع جمله‌های پیرو زمانی و کیفیت قرار داد. محتشمی نوشته است: «حرف‌های ربط "همان‌طور که"، "همین‌طور که"، "همچنان که"، "درحالی که" نیز می‌توانند در معنی "مادامی که" - از حرف ربط زمانی - به کار روند؛ ولی این‌ها معنی‌های دیگری نیز دارند؛ مانند: "**درحالی که** من کاغذ می‌نوشتم، او روزنامه می‌خواند" (محتشمی، ۱۳۷۰: ۳۲۲) شفائی نیز همین مطلب را اذعان داشته و گفته است «اسم "طور" نمودار حالت و وضعیت است» (شفائی، ۱۳۶۳: ۴۳۵). وی در توضیح جمله‌های پیرو کیفیت، این نمونه را آورده است: «نه‌حیب... **همین‌طور که** انگشتر عقیق را دور انگشتم می‌گردانید، گفت...» (شفائی، ۱۳۶۳: ۵۹۴). این جمله به دلیل نزدیک‌تر بودن معنای «همین‌طور که» به جمله‌های حالت، در این گروه قرار داده شده است و در ترجمهٔ آن، با استناد به نمونهٔ زیر، جملهٔ حالیه پیش‌نهاد می‌شود:

▪ جعلت أنظر خفيه، و هو يعمل بهمه (مینه، ۱۹۸۴: ۱۰۴).

- **همین‌طور که** باجدیت کار می‌کرد، من پنهانی، شروع به نگاه کردن کردم.

از جمله معادل‌های انتخابی دانشجویان برای این واژه می‌توان موارد زیر را ذکر کرد: «حتی»، «إذا»، «أن»، اسلوب «ما إن... حتی» و... بیشتر دانشجویان به دنبال کلماتی بوده‌اند تا به صورت تحت‌اللفظی، «همین‌طور که» را ترجمه کنند. برای ترجمهٔ زمان فعل‌ها نیز بیشتر، از صیغهٔ مضارع، به جای ماضی استمراری استفاده شده است؛ مانند:

- كما أن یتکلم، یتکلم.

- هكذا أن یتکلم ینطق أيضا.

۹-۴. جمله‌های مقدار

در این گروه از جمله‌های قیدی نیز مانند نمونه‌های پیشین، خطاهای دانشجویان، بسیار زیاد بوده است و تداخل زبانی در انتخاب معادل برای حرف ربط، آشکارا دیده می‌شود. شایان ذکر است که در جمله‌هایی از نوع زمانی، نتیجه، سببی، مقدار و... که حرف «که» در قالب اسلوبی خاص به کار می‌رود، ترجمه دانشجویان، ضعیف تر بوده است؛ چون یا این اسلوب-ها را یاد نگرفته و یا در کاربرد آن‌ها ممارست نکرده‌اند. میانگین این جمله‌ها نشان می‌دهد کمتر از پانزده درصد از دانشجویان هر سه نیم سال، جمله را درست ترجمه کرده‌اند؛ البته یادگیری در نیم سال‌های سوم و هفتم، یکسان بوده و آموزش معادل‌ها به درستی صورت نگرفته است و نه تنها ادامه تحصیل در ترجمه درست، اثری نداشته؛ بلکه در نیم سال پنجم نیز یادگیری رو به ضعف رفته است. در تحلیل واریانسی که روی نمره‌های ترجمه انجام شد، میزان ($F=1/586$ و $p=0/209$) به دست آمد که براساس آن، تفاوتی معنادار بین میانگین ترجمه‌ها وجود ندارد؛ بنابراین، میزان توانش دانشجویان در هر سه نیم سال، یکسان است و افزایش دانشی دیده نمی‌شود. در اینجا، ترجمه این جمله‌ها و خطاهای دانشجویان را ذکر می‌کنیم:

- لاأعرف أكثر من أنه ليس طالبا نشيطا.

ترجمه این جمله، بدین صورت است:

(۲۲) همین قدر می‌دانم که او دانشجوی فعالی نیست.

- كل ما أعرف أنه ليس طالبا نشيطا.

برای ترجمه این جمله، بیشتر دانشجویان با توجه به دایره واژگان خود در زبان فارسی و بی توجه به ساختار جمله‌های عربی، از واژه‌هایی استفاده کرده‌اند که بسیار نزدیک به واژه‌های مورد استفاده در زبان مادری آن‌هاست. از جمله این معادل‌ها می‌توان «إلى حد أن»، «بهذا الحد أن»، «على قدر ما»، «بهذا القدر الذي» و «بقدر» را ذکر کرد. برخی نیز واژه‌های «أن»، «بأن» و «ریشما» را انتخاب کرده‌اند؛ مانند:

- ریشما أعلم ما كان طالبا نشیطا («ریشما» به معنای «تا وقتی که» و مترادفات آن به کار می‌رود؛ اما در اینجا، دانشجو به دلیل ندانستن یا فراموش کردن معنای این واژه، آن را معادلی برای «همین قدر... که» قرار داده است).

گاه نیز دانشجو ساختار جمله را درست تشخیص داده و معادل «که» را در جمله به کار نبرده است؛ مانند:

- لا أدری أكثر من هو لیس طالبا نشیطا.

ترجمه‌های پیش‌نهادی برای این جمله، با استناد به جمله‌های زیر است:

■ بل لیس بأكثر من أن أنجم الثريا لونها لون الفضة (جرجانی، ۱۹۵۴: ۲۱۶).

- بلکه (تفسیر ما) **تنها در همین حد** است که ستارگان ثریا رنگشان نقره‌ای است.

■ کل ما أعرفه أنه غرق (مینه، ۱۹۸۴: ۲۴۶).

- **همین قدر** می‌دانم که او غرق شده است.

23) تا جایی که توانست، کمکش کرد.

- ساعده ما استطاع.

در این جمله، از میان کل دانشجویان، تنها دو نفر «تا جایی که» را درست ترجمه کرده و بیشترشان «حتی» را به‌عنوان معادل آن انتخاب کرده‌اند؛ غافل از اینکه بیشترین کاربرد واژه «حتی» در زبان عربی، در جمله‌های زمانی، نتیجه و هدف است.

علاوه‌بر «حتی»، از جمله دیگر معادل‌های انتخابی دانشجویان در این جمله می‌توان

«مما»، «إلی متی»، «ریشما» و «مه‌ما» را نام برد؛ مانند:

- مه‌ما استطاع أعانه («مه‌ما» در جمله‌های پیرو بیانگر مقدار، به معنای «هرچقدر» به کار

می‌رود؛ نه «تا جایی که»^۱).

۱. مانند:

- کلنا علی یقین من نصره رجالنا مه‌ما تکن کثرة جنود الفرس و... (زیدان، بی‌تا: ۱۵۸).

- هرچقدر هم که سپاه ایران زیاد باشد، همه ما به پیروزی مردانمان یقین داریم.

برخی هم به تأثیر از زبان مادری خود، «تا جایی که» را به صورت تحت‌اللفظی، «آین» و «آینما» ترجمه کرده‌اند؛ مانند:

- إلى أين (حتى أين) أن يمكن نصره (بارز بودن تأثیر زبان مادری در این جمله).

- ساعده إلى أينما استطاع.

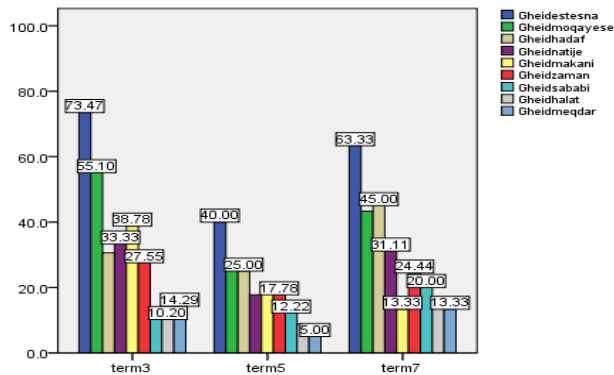
نمونه‌های زیر، مشابه جمله مثال است:

▪ رقص معها ما أحب الرقص (حسین، ۱۹۷۳: ۱۲۷).

- به قدری که (آن قدر که) دوست داشت، با او رقصید.

در پایان، با توجه به مطالب یادشده، نتایج تحلیل‌های آماری را در شکل زیر به دست

می‌دهیم:



شکل ۱

چنان که در شکل بالا می‌بینیم، دانشجویان در ترجمه بیشتر انواع «که» قیدی، با مشکلات فراوان مواجه‌اند و در پی ادامه تحصیل، نه تنها یادگیری آن‌ها بهتر نشده؛ بلکه افت نیز کرده است.

۵. نتیجه‌گیری

تحلیل خطاهای دانشجویان در ترجمه انواع «که» قیدی و کلمه‌های حاصل از آن نشان می‌دهد دانشجویان در تمام جمله‌ها جز موارد استثنا و مقایسه، بسیار ضعیف عمل کرده‌اند

و هیچ‌گونه یادگیری‌ای صورت نگرفته است. به دنبال ادامهٔ تحصیل دانشجویان، میزان توانش آنان در ترجمهٔ این گونه جمله‌ها، معمولاً یکسان بوده و در پی ادامهٔ تحصیل، نه تنها یادگیری آنان بهتر نشده؛ بلکه رو به ضعف نیز رفته است. در ترجمه‌های دانشجویان، بیشترین معادل‌های به کار رفته برای انواع گوناگون «که» عبارت‌اند از: «أن»، «الذی»، «أن» و «واو» عطف. مهم‌ترین علت‌های خطاهای دانشجویان در این بخش، بدین شرح است:

- تداخل زبان فارسی با زبان عربی و تأثیر زبان فارسی بر ترجمهٔ دانشجویان؛

- بی‌توجهی به ویژگی‌های زبانی از جمله ساختار خاص جمله‌ها؛

- اطلاع‌نداشتن از انواع مختلف «که» در زبان فارسی و در نیافتن ژرف ساخت جمله؛

- نداشتن آگاهی کافی از زبان عربی و نیز معادل‌ها و اسلوب‌های موجود برای انواع

مختلف «که»؛

- نداشتن تسلط کافی بر مطالب آموخته شده، فرانگرفتن برخی مباحث نحوی عربی یا فراموش کردن آن‌ها در اثر نبود تمرین و کاربرد. این مسئله، بیانگر آن است که فراگیری دستور زبان عربی بر اساس پژوهش‌های حوزهٔ زبان‌شناسی مقابله‌ای و آموزش زبان صورت نگرفته است.

با توجه به زیادبودن خطاهای دانشجویان در ترجمهٔ حرف «که» و علت‌های آن‌ها می-

توان گفت:

الف) فراگیران و مدرسان زبان عربی باید به این زبان، به عنوان زبانی بیگانه بنگرند تا

آموزش این زبان، درست انجام شود.

ب) ازدیدگاه زبان‌شناسی، تقابل‌های زبانی، جنبه‌هایی مهم از یادگیری نظام زبان به شمار می‌روند؛ بنابراین، به کارگیری این روش می‌تواند گامی مؤثر در مسیر کاهش بسیاری از این خطاها باشد و چون ترجمه، خود می‌تواند زمینهٔ تقابل‌های زبانی را فراهم کند، در کاستن بسیاری از خطاهای زبانی دانشجویان، مؤثر است.

ج) مباحث دستوری عربی باید به صورت کاربردی، به زبان‌آموزان آموزش داده شوند؛

نه در قالب محفوظات؛ به طوری که دانشجویان در طول تحصیل، مباحث پر کاربرد دستوری و ویژگی‌های زبان را عملاً بیاموزند.

د) تدریس زبان عربی باید براساس روشی هدفمند صورت گیرد و به مباحث حفظی نحوی منحصر نشود. لازم است در آموزش زبان، به مطالبی پرداخته شود که راه‌گشای دانشجویان در آموزش زبان و آسان‌شدن آن باشد؛ اما متأسفانه، آموزش زبان عربی، با مشکلات بسیار مواجه است و بیشتر مطالب آموزشی، به بهبود مهارت‌های نگارشی و قدرت ارتباطی دانشجویان کمکی نمی‌کنند؛ البته تمام معلمان زبان باید همگام با یکدیگر، به این مسئله مهم بپردازند و در غیر اینصورت، نتیجه‌ای مطلوب به‌دست نخواهد آمد.

ه) در آموزش زبان عربی، به تحلیل خطاهای زبانی دانشجویان چندان توجهی نمی‌شود؛ درحالی‌که آموزش زبان باید مبتنی بر تحلیل و تصحیح خطاها باشد؛ البته لازمه‌ی این کار، برگزار کردن کلاس‌های کم‌جمعیت است که متأسفانه، در رشته‌های زبان، به این مسئله توجه نمی‌شود.

منابع

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۱). *آموزش زبان عربی*. ج. ۲. تهران: نشر نی.
- ابن‌المقفع، عبدالله (۲۰۰۵). *کلیله و دمنه*. بیروت: المكتبة العصرية.
- ابومغلی، د. سمیح عبدالله (۲۰۰۴). *دراسات لغویة*. عمان: دار محد لادی للنشر و التوزیع.
- الس، ثووان و دیگران (۱۳۷۲). *زبان‌شناسی کاربردی: یادگیری و آموزش زبان‌های خارجی*. ترجمه محمود الیاسی. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی*. ج. ۱. تهران: فاطمی.
- بنت‌الهدی (بی‌تا). *المجموعة القصصية الكاملة*. ج. ۱. بیروت: دارالتعارف.
- حجازی، عزت (۱۹۸۵). *الشباب العربی و مشکلاته*. کویت: عالم‌المعرفة.
- حسین، طه (۱۹۷۳). *الحب الضائع*. مصر: دارالمعارف بمصر.
- ----- (۱۹۸۶). *الایام*. دوره سه‌جلدی. بیروت: دار‌الکتاب اللبنانی.
- حکیم، توفیق (۱۹۷۵). *هی و الراهب*. بیروت: [بی‌نا].
- داگلاس براون، اچ. (۱۳۶۳). *اصول یادگیری و تدریس زبان*. ترجمه مجدالدین کیوانی. مرکز نشر دانشگاهی.
- زیدان، جرجی (بی‌تا). *فتاه حسان*. بیروت: المكتبة الادبیه.

- شفائی، احمد (۱۳۶۳). *مبانی علمی دستور زبان فارسی*. تهران: نوین.
- عبدالرحیم مصطفی، د. احمد (۱۹۷۸). *الولايات المتحدة و المشرق العربی*. کویت: عالم المعرفة.
- عزیزپور، محمدرضا (۱۳۸۵). *المصطلحات المتداولة فی الصحافة العربیة*. تهران: سمت.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲). *جمله و تحول آن در زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- الکریمی، زهیرا (۲۰۰۰). *العلم و مشکلات الانسان المعاصر*. کویت: عالم المعرفة.
- مؤنس، حسین (۱۹۷۸). *الحضارة: دراسة فی اصول و عوامل قیامها و تطورها*. کویت: عالم المعرفة.
- محتشمی، بهمن (۱۳۷۰). *دستور کامل زبان فارسی*. تهران: اشراقی.
- معروف، یحیی (۱۳۸۳). *فن ترجمه*. تهران: سمت.
- مینه، حنا (۱۹۸۴). *الدقل*. بیروت: دارالآداب.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (.) *تاریخ الیعقوبی*.

<www.saintcyrille.com/liturgy/sun13-05-07.doc>.

- Fallahi, M. (1991). *Contrastive Linguistics and Analysis of Errors*. Tehran: Iran University Press.
- Ivir, v. (1969). "Contrasting via Translation: Formal Correspondence Versus Translation Equivalence". In R. Filipovic (Ed.). *YSCECP, Studies 1*. Arlington: Rap.
- Ouhalla, J. (1991). *Functional Categories and Parametric Variation*. London: Routledge.
- Radford, A. (2009). *Analysing English Sentences: A Minimalist Approach*. Cambridge: CUP.